

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کبیر توخی

۳۱ جولای ۲۰۱۸

تأملی بر کتاب "در جدال با خاموشی" اثری از نماد مبارزه و مقاومت ایران (اشرف دهقانی)

۲

۲- نماد مبارزه و مقاومت ایران و اثرش ("در جدال با خاموشی"):

رفیق اشرف نویسنده کتاب در "جدال با خاموشی" که خود در زمان تسلط سلطنت شاهنشاه دیکتاتور وابسته به امپریالیسم امریکا در رابطه با سازمان پر افتخار "چریکهای فدائی خلق ایران" آنروز گرفتار و زندانی شده بود، و در برابر شیوه های بازجویی و شکنجه های جسمی و روانی که محصول تجارب چندین دهه سازمان سیا و مولود خبیثه آن ساواک در آن شرایط اختناق و پیگرد و شکنجه و زندان بود، نه تنها سرفرازانه تاب آورد و مقاومت نمود؛ بلکه با فرار از زندان، دژبانان، بازجویان، دژخیمان و در مجموع کل نظام شاهنشاهی را - که حتی در منطقه مداخله نظامی می کرد - در سطح جهان به شدت تحقیر و توهین کرد و با فرار تاریخی اش از آن سیاهچال مخوف به نماد مبارزه و مقاومت در میان خلقش تثبیت هویت نمود؛ با همین تجارب و پشتوانه مبارزاتی بی نظیر از یکطرف و از جانب دیگر جمع آوری کتاب ها، مجلات، مقالات، اسناد و اوراق منسجم و پراکنده مربوط به زندان های دهه ۵۰ و دهه ۶۰ - با آن که دید و تفکر نویسندگان بر تحلیل و ارزیابی شان در نشرات یاد شده کم و بیش حاکم بوده - و مطالعه نقادانه و موشکافانه اینهمه نشریه به مشکل دستیاب شده و قبول زحمات تماس با وابستگان زندانیان اعدام شده و آنانی که از زیر ساطور جلادان هر دو دولت وابسته و منفور، رهائی یافته اند [البته در عالم پراگندگی ایرانیان پناهنده در سراسر جهان] و جمع بندی مطالب و گفته های آنان با حفظ اصل امانت داری و مبرا از اشکال حب و بغض شخصی و سیاسی، در این اثر به مثابه فاکت های عینی و ملموس جای داده شده و سر انجام محتوای علمی تنظیم شده این کتاب را شکل "در جدال با خاموشی" داده است. بنابراین می توان گفت که در تاریخ جنبش انقلابی ایران در نوع خود نخستین باریست که چنین اثری پرارزش و رهگشا در رابطه با دولت دست نشانده و وابسته، زندان، شکنجه، تواب و.... در هر دو دهه بیرون داده شده است.

۳- تجاری چند از جنبش انقلابی افغانستان در همین زمینه :

تا کس دستی بر آتش نداشته باشد از سوزش و سوختن چه می داند!؟

این قلم که خود با قید ۱۶ سال در زندان مخوف پلچرخی کابل (در هنگام تجاوز ارتش شوروی سابق بر افغانستان (که هم اکنون امپریالیزم امریکا و شرکاء این سرزمین را در اشغال داشته و خلق تسلیم ناپذیرش را در اسارت دارند) ، محکوم شده بود . در تداوم هشت سالی که در زندان بود {بر طبق قانون رهائی زندانیان سیاسی ناشی از "مصالحه ملی" ؛ دولت دست نشانده شوروی به ریاست دکتر نجیب (دیو خون آشام خاد) ، زندانیانی را که نصف مدت حبس شان را سپری کرده بودند رها کرد } ؛ همانند سایر زندانیان آگاه و رسالتمند، با زندان و شرایط نهایت وحشتناک آن پیهم در حال مبارزه قرار داشت . سر انجام کوله بار روز تا روز سنگین و سنگین تر، آتشین و آتشین تر تجربیات و دست آورد هایش را از آن "دوزخ استعمار" در ازای تحمل اشکال زجر و شکنجه های جسمی و روانی و در بدل از دست دادن هشت سال زندگی اش ؛ به بیرون از زندان انتقال داد .

به نسبت پائین بودن سطح جنبش و محدودیت های تکنیکی در افغانستان، ما در گذشته (آنگاهی که رژیم شاهی به جمهوریت استحاله نکرده و تضاد ها حدت بعدی خود را نداشت) از مواد ارسالی شامل نوشته ها، تجارب و مبارزات رفقای چپ انقلابی ایران استفاده کرده ایم . همیشه از آثار ارزشمند و آموزنده کمونیست های ایران و تجارب گرانبه های جنبش انقلابی ایران استفاده می کردیم؛ از طرق و راه های مختلف آثار و کتب چاپ شده سازمان های انقلابی ایران را دستیاب می نمودیم؛ به گونه مثال دفاعیه زنده یاد خسرو روزبه کتاب دست هر جوان مشتاق مبارزه بود . بعد ها "حماسه مقاومت" اثر رفیق اشرف دهقانی کتاب روی دست هر پیر و جوان شامل هر هسته، محفل، گروه و سازمان چپ انقلابی افغانستان بود .

آثار ترجمه شده توسط مبارزان ایرانی از مارکس، انگلس ، لنین ، ستالین و صدرمائو و سایر شخصیت های برجسته جنبش بین المللی کمونیستی گرفته تا آثار ادبی از نویسندگان کمونیست و دموکرات های انقلابی ایران و سایر کشور ها ی جهان را به اشکال مختلف به دست می آوردیم

به بیان دیگر افاده مطلب نمایم که ما از مواد چاپ شده اوراق و نشرات و ده ها جلد کتاب تألیف شده از نویسنده های چپ ایران ویا ترجمه شده از منابع چپ خارجی توسط مترجمین انقلابی کشور ایران بهره برده ایم .

زمانی هم بحران های اجتماعی و جابه جایی طبقات حاکمه وابسته، یکی به جای دیگر در (افغانستان فرا رسید : داوود خان به مجوز اتحاد شوروی کودتایش را عملی ساخت؛ در مرحله بعدی تکانهای مخرب کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ توسط توده ئی های افغانستان به اصطلاح ("حزب دموکراتیک خلق" که هزاران تن را در زندانها و صد هزارتن را در خارج زندان وحشیانه به قتل رساندند) ؛ و "مرحله تکاملی آن" یعنی تجاوز عریان و مستقیم ارتش سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان؛ در واکنش به آن، جنگ مردم آزادیخواه ما علیه این تجاوز؛ به ادامه آن سلطه خونبار دولت دست نشانده ؛ کثرت زندانیان سیاسی و سرکوب آنان در زندانها و کشتار های دسته جمعی هزاران تن در پلیگون ها (که هم اکنون گور های جمعی این قتل های عام در چند ولایت یعنی استان کشورکشف و برملا شده است) زیر نظر مستقیم اعضای کی جی بی ؛ و قتل اسیران گرفتار شده توسط قوای اشغالگر شوروی در پایگاههای نظامی آنها در افغانستان ، تهاجم باند های اسلامی و کشتار مردم در زندان ها توسط این جنایتکاران شرف باخته قبل از به اصطلاح سقوط دولت پوشالی نجیب الله جلاد خاد ؛ جنایات عجیب این باند ها در زندان ها و خارج از آن بعد از تسخیر کابل و پله تکاملی آن یعنی حاکمیت طالبان وحشی ساخت امپریالیزم امریکا که زمینه را برای تجاوز عریان خالق امپریالیستی شان فراهم نمودند ، سبب شد که هر کدام از عناصر چپ خاصاً چپ انقلابی افغانستان

برداشتهای خود را از مراحل مختلف این شرایط خونبار داشته و نتایج چنین تجاربی که در واقع امر، محصول کودتا ها، تجاوزات، گرفتاری ها، بازجویی ها توسط "ضبط احوالاتی ها"، "اگسائی ها"، "کامی ها"، "خادی" های دولت دست نشانده و بازجویان شوروی، خادی های باند های اسلامی، جنگهای ارتجاعی فی مابین این باند ها، همینطور پولیس های مذهبی طالبان وحشی؛ جاسوسان دولت دست نشانده امپریالیزم امریکا (دولت کرزی) و بازجویی مستقیم زندانیان افغان توسط امریکائی ها در پایگاههای نظامی شان در افغانستان، اشکال شکنجه و تجاوز و قتل های عام (در داخل و خارج زندان های شان) مقاومت و مبارزه مردم و فرزندان سربه کف شان در جبهات جنگ مقاومت و در زندان ها و بسا موارد مهم دیگر که کشته شدن تقریباً یک و نیم میلیون از مردم زحمتکش ما پایان آن نمی باشد را با تأسف نتوانست با جنبش انقلابی ایران و جهان در میان بگذارند. باشد با انتقال این تجارب حد اقل دین مان را در قبال جنبش چپ انقلابی جهان ادا کرده باشیم (نشرات مجله ها و برقراری سایت ها مؤید این امر بوده می تواند).

۴- مقوله هائی که شکل آنها با مضمون شان در تضاد قرار دارد:

بگذارید متواضعانه از خوانندگان گرامی بخواهم تا اجازه دهند از متن داخل حاشیه شده در قالب چند جمله کوتاه به مقوله زندان پرداخته، در پی آن راجع به زندان در افغانستان اشغال شده توسط امپریالیزم امریکا و شرکاء چند سطری هم رقم زنم. مسلماً متعاقب آن به گوشه ای از متن بسیار ارزشمند و بلند؛ مهیج و احساس برانگیز و آموزنده "در جدال با خاموشی" از نماد مبارزه و مقاومت ایران رفیق اشرف دهقانی، طور بسیار فشرده پردازم؛ زیرا مشکل صحی و فرصت زمانی و مهمتر از آن اشتغال مبارزاتی، برایم امکان پرداختن به همه متن آموزنده این اثر پرمحتوا و مورد نیاز جنبش کمونیستی کشور ایران و... را نمی دهد و اما آنچه که برایم ارزیابی آن در خور بیشترین اهمیت می باشد، به طور بسیار فشرده به آن خواهم پرداخت. عجالتاً آنچه از مقوله (و مقوله هائی که محتوای آن با اشکال شان در تضاد قرار دارند) در ذهنم خطور نموده در اینجا تذکار آن را مفید می دانم: تمام مقولات و واژه ها از خود معانی و مفاهیمی دارند. این معانی و مفاهیم در فرآیند کار و کردار اجتماعی انسان پویانده و جوینده جان گرفته، بیان مختص و مشخص و یا عام و کلی را در قالب کلمات گنجانیده، به وسیله همان قالب ها، واقعیت های روینده، یا میرنده را متجلی ساخته اند. یا به بیان دیگر، کلی ترین مفاهیم و معانی که در جریان یک علم تدوین شده، اساس و بنیاد آن علم را تشکیل داده، به ارتقاء و تعالی بعدی و آتی آن خدمت کرده بتواند، شکل مقوله به خود می گیرد. به طور مثال در علم فزیک: قوه، مدار، مرکز، فرار، جاذبه و...؛ در علم اقتصاد: کالا، ارزش، ارزش اضافی، ارزش مصرفی، کار اجتماعاً لازم و...؛ در علم سیاست: دموکراسی، دیکتاتوری، کاپیتالیزم، سوسیالیزم، تئوکراسی، سکولاریزم و...؛ در علم روان شناختی: به خودآئی، خویش جدا سازی، خویش اندودی، عقده، حقارت و...؛ در علم حقوق اداره: "محکمه"، "زندان"، "حبس تعلیقی"، "حبس ابد"، "حبس طویل"، "حبس قصیر"، "تبعید" (در داخل و یا در خارج از کشور)، "پارچه ابلاغ" (سند آگاهی مدت حبس زندانی) و...

نهاد ها و مؤسسات خادم (به هر طبقه ای که تعلق گیرند) بر مبنای هر ایدئولوژی و سیاست و یا هر علمی که بیخ و بنیاد گرفته باشند، کلی ترین مفاهیم خود را توسط مقولات و واژه های همان علم - در اندک لحظه - در ذهن خواننده یا پژوهشگرانی که کم یا بیش در مورد آن اطلاعاتی دارند؛ به تصویر می کشند؛ اما مقولات و واژه هائی هم هستند که ظاهراً بازتاب محتوای درونی خود بوده؛ مگر در ماهیت امر، واقعیت هائی را در بطن خود حمل می نمایند که با جوهر اصلی شان در تعارض و تقابل دائمی قرار می داشته باشد. یا به کلام دیگر مضمون مقوله متضاد خود را حمل

می نمایند؛ همانند مقوله "ملل متحد" (در اصل این مقوله فریبنده ، وحدت نماینده طبقات حاکمه کشورها (دولتها) بوده نه وحدت ملت ها در یک مؤسسه ، که می شود مؤسسه " دولت های متحد " بدان اطلاق کرد و یا مقوله " تواب " که بعداً بدان خواهم پرداخت .

زندان هم در مؤلفه دولت ، که خود مؤسسه ای است برای سرکوب طبقات زحمتکش و بهره ده ، قدیمی ترین مقوله بوده ، همپای مالکیت خصوصی و حراست از آن شکل گرفته ، خود در روند تکامل و تحکیم مناسبات ابتدائی وساده ، پیچیده و پیچیده تر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید ، زایشگر بسا مقولاتی دیگر بوده است. مثل " پیگرد مظنون " ، " مجرم " ، " گرفتاری " ، " تلاشی " ، " الچک " (دست بند) ، " زولانه " (دو حلقه آهنی در پای محبوس و انتهای دو زنجیری که به حلقه دو پا وصل شده به دست زندانی داده می شود) ، " مستنطق " (بازجو) ، " شکنجه " ، اشکال شکنجه مانند : " تابوت " ، " قبر " ، " قیامت " ، " قین " و " فانه " ، " تیل داغ " ، " کوتاه قفلی " (سلول مجرد) ، " اتاق عمومی " ، " پایواز " (کسی که برای زندانی لباس و اشیای مورد احتیاج وی را می آورد) ، " روز پایوازی " یا " روز ملاقاتی " ، " مرخصی " ، " قید ابد " ، " قید ... " ، " قید تعلیقی " (مجرم بعد از محکمه زندانی نمی شد به محض اندکترین اشتباه دو باره گرفتار شده و مدت قید تعلیقی را باید سپری می کرد) ، و بسا مقولات دیگری که در ارتباط با " زندان " در ایران و افغانستان و ... شکل گرفته اند .

ادامه دارد